



با درفش سرخ پرولتری به پیشواز روز جهانی کارگر، به پیش!

روز جهانی کارگر را در حالی برگزار می کنیم که بیش از هشت سال از اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکایی و غیر امریکایی می گذرد. امپریالیست های متجاوز با گذشت هر روز، چنگال های خونین شان را در گوشت و پوست توده ها به ویژه کارگران افغانستان فرو می برند تا ارزش اضافی بیشتر تولید و اربابی و آقای شان را بر جهان همچنان حفظ نمایند. طبقه کارگر افغانستان از بی چیز ترین طبقات کشور ماست که در کنار ستم طبقاتی، کمرش زیر بار ستم ملی امپریالیست ها نیز خم می باشد و به این خاطر تیغ مبارزه آن در رهبری زحمتکشان دیگر جوهردار تر و برنده تر بر ضد سرمایه عمل خواهد کرد.

طبقه کارگر افغانستان که در زمان شیرعلی خان پا به عرصه گذاشت، مانند طبقات زحمتکش دیگر از آوان پیدایش تا حال در فقر چند لایه به سر برده و همواره ظلم سرمایه را بر شانه هایش احساس کرده است. این طبقه در مراحل مختلف تاریخ افغانستان در کنار روشنفکران انقلابی نقش مهمی ایفا نموده و برای آبیاری بذر انقلاب از اهدای خون خود دریغ نورزیده است.

جنگ های سی سال گذشته ضربه کشنده ای بر پیکر پرولتاریای افغانستان وارد نمود. بسیاری از کارگران، خانه و کاشانه شان را رها و به سنگرهای داغ مقاومت ضد روسی و دولت پوشالی پیوستند و برای همیشه با کار و فابریک وداع نمودند. هجوم سوسیال امپریالیزم شوروی به افغانستان تحت نام دفاع از کارگران ضربه جبران ناپذیر دیگری بر پیکر طبقه کارگر افغانستان وارد کرد. با این تجاوز سمبول داس و چکش را که نماد همیشه جاودان اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و دهقان بود، در اذهان توده های کشور مخدوش نمود و به سمبول تجاوز، قتل، آدمکشی، غارت، زندان و شکنجه مبدل گشت. در عین حالی که نیروهای اشغالگر روسی و نوکران خلقی و پرچمی آن دم از طبقه کارگر می زدند، هزاران کارگر را در پولیگون ها و زندان ها سر به نیست کردند و برای این که «انترناسیونالیزم پرولتری» را هر چه بیشتر به نمایش بگذارند، بیش از صد زندان را در گوشه و کنار کشور ایجاد نمودند تا خلق های رنجبر ما را در غل و زنجیر «انقلابی» خویش بیش از پیش پیچند. طبقه کارگر افغانستان اگر از یکسو توسط نوکران روسی به بدترین وجه آن استثمار و شکنجه می شد، از سوی دیگر توسط جلاخان مذهبی به نام «کافر»، «کمونیست» و «ملحد» بی رحمانه سلاخی می گشت.

در حال حاضر که کشور ما به شکل عریانی توسط «جامعه جهانی» اشغال شده و بیش از هشتاد هزار سرباز بیگانه در افغانستان حضور دارند، تلاش می کنند تا سیاست بازار آزاد امپریالیستی شان را در افغانستان عملی نمایند و به این خاطر می کوشند تا افغانستان را به جامعه مصرفی و گدا تبدیل نمایند و طبقه بورژوا کمپرادور مزدور خود را بسازند، فاصله بین ثروت و فقر را هرچه بیشتر افزایش دهند و به استثمار وحشیانه توده های فقیر به ویژه کارگران ما پردازند. بر طبق آخرین آمار، در شرایط کنونی بیش از دوصد هزار کارگر در رشته های مختلف (ساختمانی، سرک سازی، کارخانه های تولیدی، صنعت چاپ، معادن، مخابرات، باربری وغیره) در افغانستان به کار مصروف اند. قشر زراعی کارگران که با تراکتور و وسایل پیشرفته دیگر سروکار دارند و عمدتاً در دهات متمرکز اند، گراف مجموعی کارگران را به چهارصد هزار نفر بالا می برد.

در کنار کارگران داخل کشور، نزدیک به هفتصد هزار کارگر افغان در کشورهای پاکستان، ایران، امارات متحده عربی، عربستان سعودی و کشورهای اروپایی در سرک سازی، کوره های خشت پزی، سنگبری، فرنیچر سازی، قالین بافی، هتل ها، باربری، تراکتوررانی وغیره مصروف کار بوده، به بدترین شکلی مورد استثمار قرار می گیرند. چون در سایه اشغال

و دولت فاسد، بیکفایت و مزدور، زمینه کار برای کارگران ما در داخل کشور مساعد نبوده، لذا با پذیرش تمام توهین ها و تحقیرهای کشورهای بیگانه برای سرمایه داران آنها، با لیلای نیروی کارشان، ارزش اضافی تولید می کنند.

طبقه کارگر بر اساس خصلت طبقاتی خود تنها طبقه ای است که می تواند رهبری زحمتکشان را برای سرنگونی طبقات استثمارگر در دست گیرد چون با وسایل پیشرفته تولید سروکار دارد، به صورت جمعی تولید می کند، فکر تغییر جمعی را در خود می پروراند، نسبت به زحمتکشان دیگر از آگاهی طبقاتی بیشتری برخوردار می گردد و چیزی ندارد که در جریان انقلاب از دست دهد، لذا انقلابی ترین طبقه به حساب می آید. طبقه کارگر می تواند در کنار طبقات دهقان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی در کشورهای مستعمراتی و نیمه فیودالی چون کشور ما، انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی و در کشورهای سرمایه داری مستقیماً انقلاب سوسیالیستی را به پیروزی برساند و دنیای عاری از استبداد و استثمار را بر روی کره زمین مستقر سازد، دنیایی که در آن از ظلم، استبداد، استثمار، فقر، بیعدالتی، زور، تجاوز، چور، چپاول، نابرابری و جنایت خبری نباشد؛ دنیایی که در آن همه انسان ها در کنار هم و برای هم کار کنند، دنیایی که هر انسانی در آن مالک تمام نعم مادی و معنوی باشد، دنیایی که در آن جنگ، انفجار و انتحار نباشد و همه انسانها تمام استعداد و تلاش خود را برای خوشبختی و رفاه بشر به کار ببندازند. چنین دنیایی زمانی ساخته شده می تواند که طبقه کارگر دست در دست طبقات محروم و تهدیدست دیگر برای از میان برداشتن طبقات حاکم به پیکار بی امان دست بزند و با ساختن دنیای بی طبقه، دولت و طبقات را به زباله دان تاریخ بسپارد.

عده ای از به اصطلاح سازمان های چپ و مخصوصاً «چپ مدالگیر» که در لفظ هیچ سازمان و فردی غیر از خود را انقلابی نمی دانند و فقط بلندند اکت و ادای چپ کنند، برای سودآوری مالی به فرمایش دونرهای غربی با هزار حيله و نیرنگ به تجلیل از هشتم مارچ می پردازند و حاضرند برای تجلیل از آن به هر ذلتی تن دهند، اما برای تجلیل و گرامیداشت از روز کارگر، سطری سیاه نمی کنند، چون تجلیل از این روز نه تنها تنگه ای برایشان نمی زاید که مجرای سرازیر شدن پول های دونرها را نیز مسدود می سازد.

سازمان انقلابی افغانستان با ایمان و اعتقاد راسخ به نیروی بیکران و بازوان ستبر توده های کارگر، به خود می بالد که در شرایطی به تجلیل از اول می این خجسته روز ماندگار می پردازد که متجاوزان امپریالیست هر صدای آزادیخواهی و دفاع از طبقه کارگر را در نطفه خنثی می سازند، لذا نه تنها بر مدال های امپریالیستی تف می اندازد، که چهره چنین سازمان های سالوسی را نیز افشا می سازد و با این باور پولادین که اگر ملیون بار انقلاب های پرولتری با توطئه های استثمارگران سرمایه از پا بیافتند، پرولتاریای جهان بار دیگر استوار قامت به پا خواهند ایستاد و خون سرمایه را خواهند ریخت، چون طبقه کارگر در جریان انقلاب جز زنجیرهای خود چیزی را از دست نمی دهد، اما جهانی را به دست می آورد.

**مرگ بر امپریالیزم
در راه سوسیالیزم، به پیش**

سازمان انقلابی افغانستان
اول می 2009